

پرستشگاه چوغازنبیل

باسفان شناس فرانسوی

هریک از شهرهای سرزمینی که مهد تمدن خوانده می‌شود، یعنی آن قسمت از خاورمیانه که درین روزگار ایران و عراق را تشکیل می‌دهد، در دوران آبادانی، زمانی که ما اکنون از آن سخن می‌گوئیم، زیر سلطهٔ معبدی بوده که «زیگورات» نامیده می‌شده است. این پرستشگاهها برج‌های عظیم و مرتفعی هر می شکل بوده‌است که پله پله هرچه به نوک هرم نزدیک می‌شده سطح آن کمتر می‌گردیده است و پلکان هائی داشته‌است که به محراب مقدس در بلندترین نقطهٔ بنا منتهی می‌گردیده است. برج بابل که می‌گویند «سربر آسمان می‌سوده‌است»، جز یکی از همین «زیگورات»ها نبوده. در بین‌النهرین (عراق کنونی) بقایای ده‌ها «زیگورات» تاکنون کشف شده است، اما هیچیک از آنها به شکستی «زیگورات» چوغازنبیل نبوده است. این «زیگورات» که اکنون قسمتی از آن به دست باستانشناسان از زیر خاک بیرون آمده است و عده‌ای نیز هنوز مشغول آن هستند، در وسط صحرائی خشک در جنوب غربی ایران قرار دارد.

«چوغازنبیل» در اصطلاح محلی به معنی «تلی به شکل سبد» است، و تل بزرگی

که پیش از خاکبرداری، بقایای این پرستشگاه بزرگ را در برداشت، درست به سبیدی که واژگون بر زمین نهاده باشند می‌مانست. در سالهای میان ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ زمین شناسی

که به باستانشناسی هم علاقمند بود و در اطراف این تل در جستجوی کان نفت کاوش می‌کرد نظرش برین تل شکفت

را تا حدی که تاکنون خاکبرداری شده‌است نشان می‌دهد.

جلب شد و اندیشید که باید در زیر این پشتهٔ عظیم بقایای تمدنی کهن نهفته باشد. بخت نیز با او بازی کرد، یاره

آجری که بر روی آن خطوطی نوشته شده بسود، به دستش افتاد. او این یاره آجر را به

هیأت باستانشناسان فرانسوی که در بیست میلی آن محل یعنی در خرابه های شوش

را تا حدی که تاکنون خاکبرداری شده‌است نشان می‌دهد.

جلب شد و اندیشید که باید در زیر این پشتهٔ عظیم بقایای تمدنی کهن نهفته باشد. بخت نیز با او بازی کرد، یاره

آجری که بر روی آن خطوطی نوشته شده بسود، به دستش افتاد. او این یاره آجر را به

هیأت باستانشناسان فرانسوی که در بیست میلی آن محل یعنی در خرابه های شوش

را تا حدی که تاکنون خاکبرداری شده‌است نشان می‌دهد.



شکوه علوم انسانی و مطالعات فرسنگی
رتال جامع علوم انسانی



چوغاز تپیل (تل چون سید) در آغاز خاکبرداری

یابخت کشور باستانی عیلام سر کرم کاوش بودند ، سپرد . کتیبه نقش شده بر آن آجر به خط و زبان عیلامی بود و حکایت از شهر مقدسی می کرد که « به تازگی به دست « اولی تاشکال Unitashgal « پادشاه بنا شده بود . این پادشاه در حدود ۱۲۵۰ سال پیش از میلاد می زیسته است .

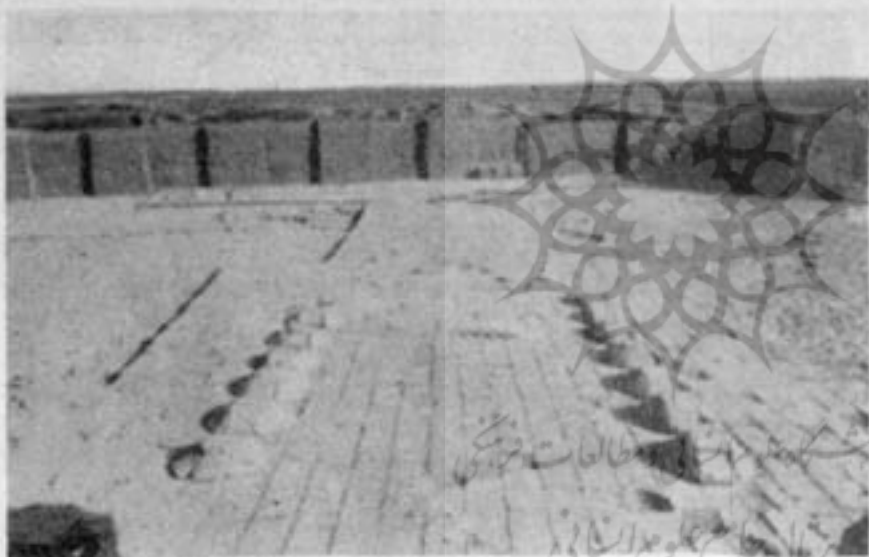
چوغاز تپیل پس از خاکبرداری و نمایان شدن پرستشگاه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



حیات زیگورات از جانب جنوب شرقی



قربانگاهانی که در حیات زیگورات کشف شده است .
چهار نیایشگاه که در دیوار زیگورات کشف شده است



پس از پایان جنگ جهانی دوم ، باستانشناسان فرانسوی به کاوش در چوغاز-زبیل پرداختند و هنوز هم مشغولند . تا کنون بقایای معبدها ، کاخ ها و گورهای راز زیر خاک بیرون آورده اند و به جای تل زبیل مانند پرستشگاهی سر از خاک به در آورده است که طرح آن کاملاً معلوم و مشخص است .

عیلامیان در تاریخ چون سومریان و آشوریان و بابلیان به ساختن «زیگورات» شهرت ندارند . چنین برمی آید که عیلامیان نه سامی بوده اند و نه هندواروپایی ، بلکه مردمی از نژادی ناشناخته بودند که در کوهستانهای میان خلیج فارس و دریای خزر به سر می بردند . در هزاره سوم پیش از میلاد این قبیله ها حکومتی به وجود آوردند ، و در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد سر زمینهای این پادشاهی را توسعه دادند تا اینکه در زمان اونی تاشکال دامنه این کشور تا سواحل شرقی خلیج فارس (خوزستان کنونی) کشیده شد و شامل بخشی از خاک عراق و فلات ایران بود . شهر شوش پایتخت



بادشاهان عیلام همان «فسر شوشان» است که در تورات، در کتاب «استر» نامی از آن رفته است. در شرح فتوحات «آشور بانیپال» نیز از شهر مقدس «دور اوتاشی» Dur-Untashi یاد شده است. آشور بانیپال در حدود سال ۶۴۰ پیش از میلاد بر کشور عیلام چیره شد و شهر شوش را غارت کرد و «دور اوتاشی» را نیز ویران ساخت.

شش دوره کاوش باستانشناسی، یعنی بیست و یک ماه کار لازم بود تا خاکبرداری چو غازییل کامل شود و بنای شکفتی که زیر خروارها خاک پنهان بود، نمایان گردد. اکنون در حدود نهصد متر مربع خاک

ظرفی به صورت زن که از جمله هدیه‌هایی است که به خدایان پیشکش می‌شده است.

کنده شده و با کاری دستی در دره‌های اطراف که خارج از ویرانه‌های این شهر باستانی است، پراکنده شده است. بدبختانه در خاک برداری‌های باستانشناسی استفاده از وسائل ماشینی میسر نیست و کارهای حفاری و حمل‌خاک باید بادست انجام گیرد. ابزار کار باستانشناس کلنگ است، و آهنم کلنگی که در هر مرحله کوچکتر و کوچکتر می‌شود و عاقبت به جانی می‌رسد که تنها بایلیچه دستی و ماهوت پاک کن باید کار را از پیش ببرد. در کنار باستانشناس هر دی ایستاده است که بایلی کوچک خاکها را به داخل کاری می‌ریزد و با دقت آنرا واری می‌کند تا مبادا تکه‌های کوچک که ممکن است از نظر باستانشناس دور مانده باشد دوباره زیر خروارها خاک مدفون گردد.

هیأت باستانشناسان فرانسوی در هر دوره از کارهای حفاری خود صد تا صد و بیست نفر کارگر در خدمت داشته است.

تاکنون طرح مکان مقدس این شهر کاملاً نمایان گردیده است. این صحن، چهار گوشه‌ای است که مساحت آن صد و بیست و یک متر مربع است و گرداگرد آن دیواری است که در آن غرفه‌های متعددی که در آنها به نیایش می‌پرداخته‌اند قرار دارد. مراسم مذهبی در حیاط بزرگ بین بنا انجام می‌گرفته است. بنای «زیگورات» در وسط این صحن واقع است و قاعده آن در زمان آبادانی سیزده و نیم متر مربع بوده است. این «زیگورات» پنج طبقه بوده و بلندی آن به پنجاه متر می‌رسیده است. در نوک این بنای بزرگ، پرستشگاه «این شوشی ناک» Ynshushinak، خدای خدایان عیلامیان واقع

بوده است . متأسفانه به سبب گذشت زمان و باریدن برف و باران دوویمتر از بالای این « زیگورات » خراب شده و بر روی طبقات پائین فروریخته و بدین ترتیب این پرستشگاه نیز ویران شده است .

گرچه پیش ازین تصور می رفت که « زیگورات » ها را با انباشتن خاک بر روی هم به وجود می آورده اند به طریقی که هرچه بالاتر می رفته سطح (مقطع افقی) خاک کمتر می شده است تا به برج پله پله « زیگورات » می رسیده . اما در مورد « زیگورات » چوغازنبیل به وضوح دیده می شود که این فرض صادق نیست ، این بنا از پنج برج مدور متحد المرکز تو در تو ساخته شده است که هر کدام نسبت به برج بیرونی بلندتر بوده است . پنجمین برج که داخل همه برج هاست از دیگر برجها بلندتر است و مساحت قاعده آن ده و نیم متر مربع است . خشت خام عمده ترین مصالحی است که درین بنا به کار رفته است ، اما در قسمت خارجی از لایه های آجری استفاده شده است تا بنای خشتی داخل را از زیان برف و باران های شدید زمستانی حفظ کند . از پائین تا بالای برج پس از هر ده ردیف آجر که به کار رفته است ، یک ردیف آجری که بر آن کتیبه ای نقش شده است دیده می شود . درین کتیبه ها که به خط میخی و زبان عیلامی است ، نام پادشاهی که بانی این پرستشگاه بوده است و نام پدرش و اسم خدائی که این نیایشگاه بدو اهداء گردیده نوشته شده است . سپس در دنباله

این نوشته ها ، لعن و نفرین جاویدان نثار آن کس شده که برین یاد کار پادشاه بزرگ گزند می برساند .

آجرهایی که در بنای محراب پرستشگاه که در بلندترین نقطه « زیگورات » قرار داشته ، به کار رفته بوده است « در شیب بنا و حیاط های داخلی به دست آمده است ، این آجرها لایه های آبی یاسبز رنگ داشته اند که درخششی نقره مانند و گاه زرین از آنها به چشم می خورد . این کشف سبب ادعای پادشاهان بابل را که نوشته اند « پرستشگاه هائی از طلا و نقره دارند » ، بر ما روشن می سازد .

در چهار سوی « زیگورات » چهار دروازه بوده است ، که سه دروازه آن به پلکانی راه می یافته که تنها به طبقه دوم بنا می رسیده است . دروازه جنوب غربی به برج



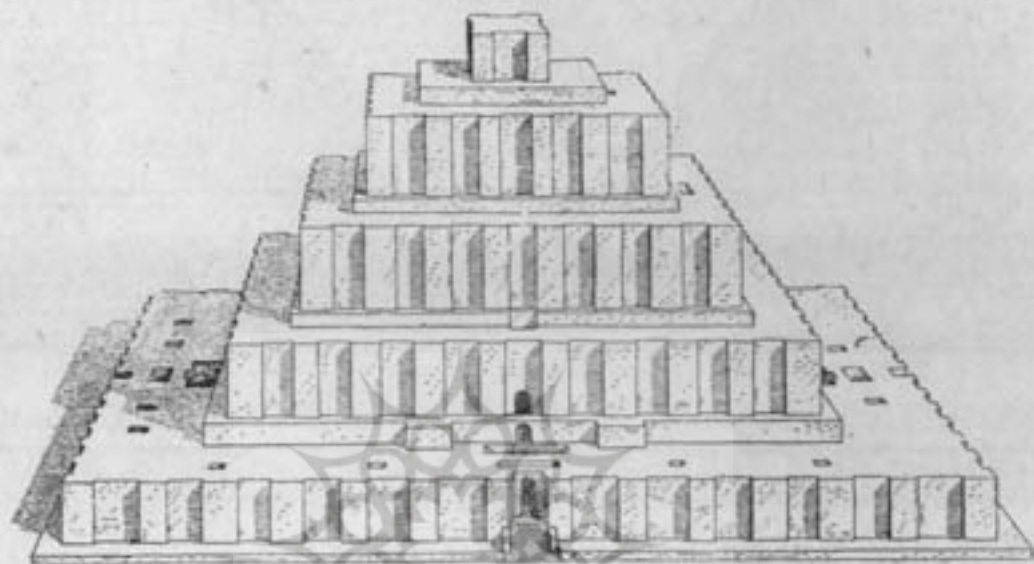
مرکزی « زیگورات » راه داشته است و از قرار معلوم به پلکانی می رسیده که به نوك « زیگورات » می انجامیده (یعنی طبقه پنجم) است . پلکان داخلی صدمه زیاد ندیده و هنوز تا طبقه سوم می رسد ، یکی از طاقنها با وجود گذشت سه هزار سال کاملاً سالم و بی عیب باقی مانده است . از بقایای این پلکان ، طرح پلکان اصلی که به پرستشگاه می انجامیده است بر ما روشن می شود .

پس از يك قرن کاوش باستانشناسی در بین النهرین هزاران کتیبه و لوحه به خط میخی به دست آمده است ، ولی در هیچیک از آنها از چگونگی تشریفات مذهبی که در پرستشگاه نوك « زیگورات » انجام می گرفته ، سخنی به میان نیامده است . با اینهمه از روی اشیائی که به دست آمده است و وضع بنا می توان به حدس ، نحوه این تشریفات را دریافت . کاوش هائی که تا کنون در چوغازنبیل صورت گرفته وجود دو نیایشگاه را در درون دیوارهای ضخیم طبقه دوم « زیگورات » بر ما معلوم داشته است . یکی ازین دو نیایشگاه در بسیار بزرگ و مجللی به بلندی هفت متر و نیم دارد که مقابل قسمت داخلی « زیگورات » قرار دارد . این دروازه را با آجر کاملاً مسدود کرده اند . بدین ترتیب ثابت می شود که بنای « زیگورات » در يك مرحله ساخته شده است و دست کم در دو مرحله انجام یافته است . بدین معنی که در مرحله اول تنها طبقه اول و دوم ساخته شده است و در مرکز آن زمینی را باز باقی گذاشته اند . طبقه های بعدی درین قطعه زمین پس از اینکه در بزرگ



طرح بنای ستایشگاه قبل از اینکه در زمین وسط آن برجهای « زیگورات » ساخته شود . معبد زیر را مسدود کرده اند ، بنا شده است . از سوی دیگر نیایشگاه داخل دیوار طبقه دوم از طریق دهلیزی به مدخل سرپوشیده و حیاط خارجی میان برج اول و دوم راه دارد . این نیایشگاه در تمام دوران آبادانی « زیگورات » مورد استفاده مردم بوده است . درهای این نیایشگاه نیز از چوب ساخته شده و با شیشه های مات ، سیاه ، سفید ، بطور مرفع (موازیك) تزئین گردیده است . دست یافتن به این در بزرگ که قسمت زیادی از آن

بی عیب باقی مانده است ، مطلب دیگری را که تا کنون بر ما مجهول بود ، روشن می دارد: در قرن سیزدهم پیش از میلاد صنعت شیشه سازی در عیلام رواج کامل داشته است . احتمال می رود که مجسمه خدای معبد در محراب ، یعنی در طبقه آخر قرار داشته است و کاهنان و کشیشان هنگام تشریفات مذهبی آنرا به نزد شاه پائین می آورده اند . پس از طرح بنای کامل زیگورات در مرحله دوم که تکمیل شده است .



کاوش در سه دیوار دیگر طبقه دوم اطاق های بسیاری کشف شد که مدخل همگی در سقف آنها قرار دارد و به وسیله پلکانی به داخل اطاق راه می یافتند . تا کنون معلوم نشده است که این اطاق ها به چه کار می خورده است . یکی از این اطاقها پر است از مصالح تزئینی سرخ رنگی که گویا به کار آرایش طبقه های بالا تر می خورده است ، اما دیگر اطاقها جملگی خالی است .

چنین بر می آید که بیشتر مراسم مذهبی در حیاط مقابل دروازه جنوب غربی صورت می گرفته است ، درین حیاط دو ردیف سکو کوتاه آجری بنا شده است که هر ردیف آن شامل هفت سکوست . (مجموعاً چهارده سکو) ، جوی کوچکی نیز در آن نزدیک دیده می شود . بی شک این سکوها قربانگاه بوده و خون جانوران قربانی در این جوی جاری می شده است . احتمال می رود که این مراسم در حضور شاه و ملکه صورت می گرفته است و دو شاه نشین کوچک که در انتهای این دو ردیف قربانگاه قرار دارد ، جای تخت شاه و ملکه بوده است . از قرائن می توان چنین حدس زد که پس از انجام مراسم قربانی شاه و ملکه در پیشاپیش مردم به راه می افتاده و به طبقه زیرین معبد می رفته اند و در آنجا کاهن بزرگ شاه و دربارانش را در پیشگاه بیکره خدای بزرگ که از محراب بیابشگاه پائین آورده شده بود ، به ستایش وامی داشته است .

از طرح و وضع پلکان هائی که طبقه اول و دوم را بهم مربوط می سازد ، چنین بر می آید که این معبرها خاص کاهنان بوده است که بر حسب مقام و رتبه خود در طبقات

ومكانهای مختلف آن منزل داشته‌اند. همچنین تصور می‌رود که عامه مردم (طبقات غیر روحانی) حق ورود به داخل «زیکورات» را نداشته‌اند و تنها می‌توانسته‌اند به حیاط آجر فرش که گرداگرد بنا قرار داشته‌است وارد شوند. دیواری که این حیاط را درخود می‌گرفته هفت دروازه مجلل داشته است. طرح زیکورات فرضیه‌های بالا را تأیید می‌کند.



یکی از نقش‌های موزالیک که در حفاری‌های چوغازبیل به دست آمده‌است: سر مجسمه که در وسط قرار دارد از عاج و دیگر قسمت‌ها و جانوران رقصان از سفال است. هرودت مورخ یونانی که در قرن پنجم پیش از میلاد یعنی صدسال قبل از سقوط آخرین پادشاهان بابل به این سرزمین سفر کرده است می‌نویسد که برج بابل مقبره رب‌النوع مشتری است.

این گفته سوالی پیش می‌آورد که آیا زیکورات، معبدی بوده‌است یا چون اهرام مصر مقبره‌ای. بی‌آنکه بتوان نظر قطعی درین باره داد، تاریخ نویسان در یک قرن گذشته، رساله‌ها و مقاله‌های متعددی درین باره نوشته‌اند. به عقیده من با در نظر گرفتن جمیع این اطلاعات «زیکورات» هم پرستشگاه و هم مقبره بوده‌است. همه ساکنان این بخش خاورمیانه یعنی سومریان - بابلیان - آشوریان و عیلامیان، مردگان خود را در زیر زمین منزل‌هاشان دفن می‌کردند و برین عقیده بودند که روح خویشان آنها پس از گذشت، باز هم در جرگه خانواده‌کی، درزندگی دیگر بازماندگان شرکت دارند. اما در لوحه‌های فوقانی «زیکورات» چوغازبیل بطور صریح آمده است که در طبقه بالا، محراب مقدس خدای «این شوشی ناک» بوده است. بنابراین با قیاس به عادت مردم می‌توان گفت که ممکن است جایگاه نیایش این خدا بر فراز برج و کور او در طبقه زیرین بوده‌است. این راهم نباید از یاد برد که در مذهب این مردمان تمام خدایان جاویدان نبوده‌اند، بلکه عددهای از آنان، خاصه خدایان حاصلخیزی و وفور نعمت، چون دیگر مردمان فناپذیر بوده‌اند. مردم عقیده داشتند که در تابستان هنگامی که آفتاب سوزان زمین را از گل و گیاه عاری می‌سازد این خدایان

به خواب ابدی می‌روند و در بهار زمانی که باران های سودمند جان تازه در طبیعت می‌دمد، بار دیگر زندگی را از سر می‌گیرند .

باستانشناسان در نظر دارند که در آینده نقبی به مرکز زیگورات بزنند تا شاید ازین راه پرده از مراسم و عبادت هایی که در مرحله اول بنا در این پرستشگاه صورت می‌گرفته است بردارند .

اعم از اینکه « زیگورات » پرستشگاه یا مقبره بوده باشد شك نیست که طرح بنای آن به سبب خواسته درونی انسان بوده است و آن خواسته جز راه یافتن از عالم سفلی به جهان علیا نیست . و کلمه « زیگورات » نیز که در اصل سومری است به معنی « صعود به آسمان » می‌باشد . خدائی که از فراز آسمان به زمین نزول می‌کند پیش از آنکه خود را به ابنای بشر بنمایاند ، در بلندترین نقطه « زیگورات » فرود می‌آید . اگر این فرض درست باشد ، معلوم می‌شود میان طرز تفکر مردم سه هزار سال پیش و بنا کنندگان کلیساهای مرتفع قرون وسطی چندان تفاوتی وجود نداشته است . نردبان یعقوب نردبانی که پایه آن بر روی زمین و سر آن بر آسمان می‌سوده است - همیشه فکر بشر را به خود مشغول داشته است .

در طرف راست مهري که در این حفاری ها به دست آمده است دیده می‌شود و در طرف چپ نقش آن مهر که به سبب گرداندن آن بر روی موم حاصل شده است .



انعکاس همین فکر نیز در آرزوی انسان قرن بیستم ، در کوشش در راه مسافرت به فضا و توسط بردیگر سیاره ها ، دیده می‌شود .

در اطراف « زیگورات » دوزائشایی نیایشگاه های فرعی دیگری دیده می‌شود که هر يك خاص یکی از خدایان عیلامی بوده است . کاوش هایی که تاکنون صورت گرفته

یازده نیایشگاه را از زیر خاک هویدا ساخته است. قرائن موجود نشان می‌دهد که چندین نیایشگاه دیگر نیز هنوز در زیر خاک مدفون است در گوشه‌های از معبد مربع شکل، نیایشگاهی مرکب از چهار غرفه که در کنار هم قرار دارند کشف شده است که هر کدام نیایشگاهی مستقل است. بی شک این نیایشگاه‌ها متعلق به دوخدای مرد و دو زنخدای بوده است. چون این نیایشگاه دارای دو سکوی قربانگاه و جای تقدیم هدایاست. معابدی که خاص يك خدا بوده است دارای يك سکو است. نام هر خدا روی آجر های نیایشگاه هایشان نوشته شده است.

اغلب این نام‌ها در کاوش‌های باستان‌شناسی شوش شناخته شده بود. اما هنوز وظایف این رب‌النوع‌ها بر ما مجهول است. در کاوش‌های شهر «دوراتاشی» برخی از هدیه‌هایی که به پیشگاه این خدایان تقدیم شده بود، به دست آمد. این هدیه‌ها که از طلا، نقره، مفرغ و سفال ساخته شده است بر ما معلوم می‌دارد که مذهب عیلامیان بر اساس ستایش طبیعت استوار بوده است و خدایان آنان مظاهر حاصلخیزی زمین و ساکنان کرهٔ ارض بوده‌اند.

برای مثال باد آور می‌شوم در پیمانی که میان عیلام و بابل منعقد شده است نامی از الههٔ «پینی کر Piniker» به میان آمده است. مجسمهٔ این الهه در حالی که کودک شیرخواری را در آغوش دارد در نیایشگاهی به نام او به دست آمده است. این مطلب و هدایائی که به او پیشکش شده و آنها نیز به چنگ آمده است، نشان می‌دهد که این زنخدا مظهر آفرینش بوده است.

بدین ترتیب، یعنی با توجه در نحوهٔ معماری و مطالعه در اشیاء مکشوفه و مقایسهٔ آنها با مطالبی که از کتیبه‌ها بر می‌آید، می‌توان به اصول اصلی مذهب عیلامیان پی برد. در کنار این معابد کارگاه‌هایی کشف شده‌اند که در آنها اجناس و اشیاء نذری و اهدائی به پیشگاه خدایان، خاصه مجسمهٔ سفالین ساخته می‌شده است. این اشیاء را کاهنان به زیارت کنندگان می‌فروخته‌اند و بخشنیداران، آنها را به پیشگاه خدایان اهداء می‌کرده‌اند.

تغییری که ازین نظر در دنیا حادث شده است بسیار ناچیز است، چون هنوز بسیاری از مردم هدایای زیادی به پیشگاه مقدسان تقدیم می‌دارند.

حملةٔ آشوریان در ۶۰۴ پیش از میلاد زیر لوای «آشوربانی پال» عملاً به فرمانروائی پادشاهان عیلام پایان داد. شوش مسخر و ویران گردید. پادشاه عیلام به سوی کوهستان‌های شمالی عقب نشست و آشوریان سردرپی اش نهادند و بهر شهر رسیدند تاراج کردند و ویران کردند.

از جمله شهرهایی که به دست این سپاه یغماگر افتاد، شهر «دوراتاشی» و پرستشگاه‌های عظیم آن بود که به تمامی ویران گردید، آشوریان در یکی از اطلاق‌های پرستشگاه بیش از دو سست تکه از اشیاء خود رابه جا گذاشته‌اند که اغلب آنها نشان‌های

افتخار است که از مرمر، مفرغ و آهن ساخته شده است. تقریباً روی تمام این نشان‌ها نام « اوتناش کال » پادشاه منقوش شده است. در نزدیکی این محل اشیاء دیگری از فلزهای قیمتی و ظروف لعابی به دست آمده است.

دروازه‌های «زیگورات» را مجسمه‌هایی از جانوران حقیقی یا خیالی و موهوم پاسداری می‌کرده‌اند. این مجسمه‌ها نصف اندازه حقیقی ساخته شده بودند. در برابر دروازه جنوب شرقی مجسمه گاوی قرار داشته که مظهر « این شوشی ناک » بوده است. این مجسمه از سفال لعاب دار آبی رنگ و درخشانی ساخته شده است. در پشت این مجسمه کتیبه مفصلی درباره اهداء آن نقش گردیده است.

همسرنکارنده توانست با وصل کردن قطعات کوچک و خرد شده این مجسمه، باردیگر آن‌را به هم وصل کند و دوباره آن را تقریباً به صورت اول درآورد. آشوریان متهاجم ضربه‌ای به پشت این گاو وارد ساخته و آن را خرد و متلاشی کرده بودند. پنج سال بعد زمانی که دیوارها و دروازه‌ها را هیأت باستانشناسان از نو بریامی داشتند با کمال تعجب سر و پای گاو را در حفرة‌ای پیدا کردند. از قرار معلوم یکی از مؤمنان این دو قطعه را که سالم مانده بوده است، برداشته و در محلی دور از جایگاه اصلی پنهان کرده‌است.

پس ازین ویرانی وحشتناک، دیگر این شهر مقدس روی آبادی ندید. کاهنانی که از قتل عام آشوریان جان بدر بردند از آنجا گریختند و دیگر باز نگشتند. محرابها و قسمت‌های خارجی بنا که از خشت خام بود در معرض باران و دیگر عوامل طبیعی قرار گرفت و رو به ویرانی نهاد. کم کم «زیگورات» روبه خرابی نهاد و زیرخروارها خاک که از ریزش قسمتهای بالای خود بنا حاصل شده بود مدفون شد. اما اکنون با کوشش باستان شناسان این بنای تاریخی دوباره از زیر خاک سر به درآورده و ویرده از روی یکی از دوران‌های عظیم تاریخ برداشته و در روشن کردن بسیاری از پوشیدگی‌های تاریخ مذاهب نیز سودمند افتاده است.

ترجمه جمال الدین فروهری

این مقاله از شماره January 1961 مجله Scientific American به فارسی برگردانده

شده است.

توضیح - زیگورات Ziggurat از کلمه‌ای Ziqquratu آشور-بابلی گرفته شده است. روا این می‌بود در فارسی بصورت « زقوره » یا تشدید « ق » مصطلح گردد. اما چون به صورت زیگورات معروف گردیده‌است ما نیز از آناری که قبلاً منتشر شده‌است پیروی کردیم.